فهرست مطالب:

اشاره: 2

مخاطب آیه وقایه 2

احتمال اول 2

احتمال دوم 2

قدر متقین مسئولیت وقایی 2

مسئولیت وقایی فرزندان 3

جمع‌بندی دایره مفهوم اهل 3

پرسش: استثنا امر و نهی فرزند نسبت به والدین 3

پاسخ استاد: امر و نهی دوسویه 3

پرسش: 3

7. وقایه وجودی و عدمی، با واسطه و بدون واسطه 4

7.1. وقایه وجودی و عدمی 4

7.2. وقایه با واسطه و بدون واسطه 4

8. وقایه احتمالی و یقینی 4

احتمال اول: وقایه احتمالی 5

احتمال دوم: وقایه محرَزه 5

جمع‌بندی 5

بسم الله الرحن الرحیم

**اشاره:**

عرض کردیم که در «امر به معرف و نهی از منکر» خانوادگی ادله قرآنی داریم که یکی از مهم‌ترین ادله آن، آیه وقایه است. **«قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا**»(نحریم/6). در این آیه شش نکته بررسی کردیم. نکته آخر که در جلسه قبل بررسی کردیم، مفهوم‌شناسی «اهل» بود. با توجه به جمع بستن «اهل» چه کسانی مخاطب آیه شریفه هستند؟ تعبیر «کُم» عام است و دامنه آن وسیع‌تر از «خانواده کوچک» است و ما همین معنی را ترجیح دادیم.

**مخاطب آیه وقایه**

آیا خطاب متوجه کسی است که نوعی قیمومیت و ولایت دارد یا خیر؟ ممکن است اهل در آیه وقایه انصراف داشته باشد به نسبت بین پدر و مادر با فرزندان و کوچک‌ترها یا منحصر باشد به نسبت بین مرد و زن به دلیل اینکه پدر و شوهر دارای ولایت هستند آیا می‌توان چنین انصرافی را درست کرد؟ یا اطلاق دارد؟

دو احتمال دارد:

**احتمال اول**

احتمال اول این است که خطاب آیه به کسانی است که نوعی ولایت و قیمومیت بر دیگری دارند مانند پدر نسبت به فرزند و شوهر نسبت به همسر. بنابراین خطاب به همه افراد خانواده نیست بلکه خطاب متوجه پدر و شوهر است زیرا ولایت دارند. شاهد این مدعا آن است که آیه تعبیر «اهلیکم» دارد یعنی شمایی که دارای اهل هستید و دیگران اهل و تحت ولایت شما هستند، تکلیف وقایی دارید. خطاب «کُم» و شما بودن مخاطب موضوعیت دارد و محور است.

**احتمال دوم**

احتمال دیگر این است تکلیف وقایه متوجه همه اعضای خانواده است؛ وجهی برای تخصیص به کسانی حق ولایت دارند، وجود ندارد. همه اعضای خانواده کوچک یا گسترده وظیفه دارند تا یکدیگر را امر و نهی کنند. پدر بودن یا شوهر بودن محوریت ندارد. عرض شد که حتی فرزند نسبت به والدین خود بر اساس آیه وقایه وظیفه دارد و ما این احتمال را بعید نمی‌دانیم. البته در فرزندان، بلوغ یا حداقل تمیز شرط است و الا افراد غیر ممیز تکلیف شرعی ندارند. پس در این خطاب نوعی قیمومیت ملاک نیست. همه اعضای خانواده نسبت به همدیگر مسئولیت امر و نهی و وقایی دارند؛ زن نسبت به مرد، مرد نسبت به زن، والدین نسبت به فرزند و فرزند نسبت به پدر و مادر.

**قدر متقین مسئولیت وقایی**

قدر متقین از تکلیف وقایه، وظیفه والدین نسبت به فرزندان و مرد نسبت به همسرش می‌باشد ولی اطلاق را بعید نمی‌دانیم. حتی شمول آیه نسبت به اعضای خانواده که در سطح پایین‌تر هستند مانند فرزندان بعید نمی‌دانیم.

**مسئولیت وقایی فرزندان**

فرزندان هم باید والدین خود را امر و نهی کنند، البته اینکه بر اساس تفسیر روایی آیه وقایه، پدر و سرپرست خانواده احساس تکلیف کرده و درخواست راهنمایی داشته است به‌عنوان بیان مصداق است. روایت درصدد انحصار نیست. اگر تعبیر «حسبک ان تامرهم و تنهاهم» را دال بر انحصار بدانیم ممکن است احتمال اول تقویت شود و الا احتمال دوم درست است.

**جمع‌بندی دایره مفهوم اهل**

قدر متیقن از دایره مفهومی «اهل» در آیه وقایه، «خانواده کوچک» است؛ و قدر متقین از اعضای خانواده «مسئولیت پدر و مادر نسبت به فرزندان» است؛ اما درعین‌حال بعید نمی‌دانیم ک اطلاق آیه به فراتر از این مقدار دلالت کند.

**پرسش: استثنا امر و نهی فرزند نسبت به والدین**

تبصره: برخی از فقها دایره امر و نهی را تخصیص زده‌اند. امر و نهی در فضای خانواده از طرف فرزندان نباید با لحن و صیاغت امر و نهی صورت بگیرد بلکه باید با «درخواست» و «موعظه» و ... باید.

**پاسخ استاد: امر و نهی دوسویه**

در فروعات «امر به معرف و نهی از منکر خانوادگی» به این موضوع پرداخته خواهد شد. احتمال دارد همین که فرمودید باشد، اما دلیل مقید و تخصص نداریم. به نظر ما اگر هیچ دلیلی بر «امر به معرف و نهی از منکر» نداشتیم غیر از آیه شریفه «**وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ**» (**آل عمران /104**) نباشد، باز وظیفه مندی فرزند نسبت به والدین از ن استفاده می‌شود. «اهل» و «کُم» استغراقی است یعنی تک‌تک شما نسبت به اهل به تک‌تک اهل خود مسئولیت دارید. مضاف جمع است و اضافه شده به «کُم» که عام استغراقی و انحلالی است. در مثال «**وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْن**‏» (**مائده/6**) قرینه وجود دارد زیرا یک نفر چند سر ندارد اما یک نفر می‌تواند چند نفر «اهل» داشته باشد.

**پرسش:**

نقطه جامع را باید اخذ کرد در مثال‌های «اهل الاسلام»، «اهل العلم» و «اهل الکفر» ...

**پاسخ:**

خطاب عام است، خطاب به پدر و پسر و سایر اعضای خانواده صحت حمل دارد زیرا اهل یعنی خانواده و همه دارای خانواده هستند. پس آیه شمول دارد.

درمجموع ما شمول را ترجیح می‌دهیم. آیه شمول دارد نسبت به فراتر از خانواده کوچک را شامل می‌شود، اطلاق و شمول دارد و مسئولیت‌مندی همه اعضای خانواده نسبت به یکدیگر را شامل می‌شود و انحصاری نسبت به ولی نسبت به مولی‌علیه ندارد.

**7. وقایه وجودی و عدمی، باواسطه و بدون واسطه**

**7.1. وقایه وجودی و عدمی**

نکته دیگر در آیه که قبلاً گفته بودیم و باز یادآوری می‌کنیم این است که صیانت و وقایه در آیه‌ی **«قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا**» اعم است از اقدامات وجودی و عدمی. برای صیانت گاهی باید اقداماتی انجام داد و گاهی باید منع و نهی کرد. جلوگیری و بازدارندگی عملی را هم شامل می‌شود. مقدمات وجودیه و مقدمات عدمیه را در برمی‌گیرد.

**7.2. وقایه باواسطه و بدون واسطه**

از طرفی این وظیفه اعم است از اینکه اقدامات وقایی، بلا واسطه انجام شود و منجر به فعل معروف و ترک منکر گردد و یا اینکه باواسطه انجام شود. باواسطه به این مفهوم که مقدماتی تمهید شود تا فرزند و همسر و سایر اعضای خانواده از گناه و معصیت باز داشته شوند و به گناه نیفتند. بنابراین مجموعه روش‌ها و تمهیدات متعارف در محدوده این تکلیف قرار دارد. از جهت دیگر شمول آن نسبت به امر و نهی بدون ابزار و با ابزار و وسایل، همه را شامل می‌شود.

البته امر و نهی باواسطه‌های بعیده را روایات محدود کرده است لذا روش‌های سخت و دشوار که فرد به عسر و حرج می‎افتد را دایره تکلیف خارج است. وجوب برداشته می‌شود اما استحباب باقی است. پس نسبت به تنوع روش‌ها، اسالیب و مناهج شمول دارد. تنویعات مختلف روش‌های امر و نهی در اینجا وجود دارد. مورد استثنا فقط روش‌های سخت است و محدود است به روش‌های متعارف و عرفی. روش‌های پیچیده و سخت و دشوار الزام ندارد. منتهی پیچیدگی و سختی تکلیف در تحولات زمان متحول می‌شود، شرایط زمانی در حدود تکلیف اثرگذار است.

**8. وقایه احتمالی و یقینی**

شرایط امر و نهی در ذیل هر دلیل و در جمع‌بندی هم عرض خواهیم کرد. شرایط امربه‌معروف و نهی از منکر خانوادگی چیست؟ یکی از بحث‌ها این است که احتمال وقایه کفایت می‌کند یا باید وقایه اطمینانی و یقینی لازم است؟

**احتمال اول: وقایه احتمالی**

شمول آیه «**قوا... اهلیکم نارا**» این است که «احتمال تأثیر» شرط است.

پس احتمال وقایه کفایت می‌کند و مناسبات حکم و موضوع ین مفهوم را توسعه می‌دهد به صورتی که عدم اطمینان زیر وقایه اقدام احتیاطی و صیانتی است. مناسبات حکم و موضوع ایجاب می‌کند احتمال وقایه کفایت نماید. با احتمال باید احتیاط کرد و احراز وقایه لازم نیست.

**احتمال دوم: وقایه محرَزه**

احتمال دیگر این است که از مفهوم وقایه برمی‌آید این است که فرد مطمئن باشد که اثر دارد؛ وقایه یعنی اطمینان و احراز وقایه شود. اطمینان یا حجت شرعی یا حجت عقلانی به وقایه لازم است اما با علم یا اطمینان به عدم اثر، وقایه لازم نیست. احراز صدق موضوع بشود تا بعث و هیئت بر آن سوار شود. بنابراین موضوع و متعلق باید احراز شود. در مثال «اکرم العالم» باید عالم بودن و اکرام بودن نوع کار احراز شود تا نوبت به هیئت وجوب اکرام برسد. موضوع و متعلق در رتبه مقدم است لذا باید احراز شود تا وقایه بیاید. کار شخص باید وقایه باشد تا وجوب آن بر خانواده بار شود. وقایه زمانی است احراز شود. در صورت احتمال تأثیر، اصل عدم وجوب است چنانچه اگر انسان نداند پول دادن به عالم آیا مصداق اکرام است یا نه؟ دادن پول لازم نیست.

**جمع‌بندی**

مقصد از وقایه، وقایه احتیاطی است. هر عملی که بالقوه این اثر را دارد لازم است انجام شود. بعید نیست احتمال اول ترجیح داده شود اما با خط‌کشی و بدون احتیاط ممکن است احتمال دوم ترجیح داده و شد. درنهایت یک تردید وجود دارد.